

جستاری توصیفی بر تأثیر سن و جنس و عوامل اقتصادی و اجتماعی در ارتکاب جرم با تأکید بر نظریه‌های شخصیت‌محور جرم‌شناسی

زهرا شمسی‌زاد

گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۱. مقدمه و طرح مسئله

میزان جرم و جنایت تحت تأثیر عوامل متعددی است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. این عوامل به طور کلی به سه دسته فردی، اجتماعی و اقتصادی تقسیم می‌شوند. درک این عوامل در توسعه راهبردهای مؤثر برای مبارزه با جرایم و تضمین امنیت و رفاه جوامع بسیار مهم است. عوامل فردی نقش بسزایی در شکل‌گیری نرخ جرم دارند؛ ویژگی‌های شخصی مانند سن، جنسیت و سطح تحصیلات می‌تواند بر احتمال شرکت در فعالیت‌های مجرمانه تأثیر بگذارد. تحقیقات به طور مداوم نشان داده است که مردان جوان، به ویژه آنهایی که سطح تحصیلات پایینی دارند، بیشتر مستعد ارتکاب جرم هستند. این را می‌توان به ترکیبی از عواملی مانند فشار همسالان، کمبود فرصت‌ها و احساس بیگانگی از جریان اصلی جامعه نسبت داد. عوامل اجتماعی نیز در تعیین میزان جرم نقش اساسی دارند؛ سطوح بالای فقر، بیکاری و نابرابری به طور مداوم با نرخ بالاتر جرم همراه بوده است. عوامل اقتصادی نیز ارتباط تنگاتنگی با میزان جرم دارند؛ نابرابری اقتصادی، دسترسی محدود به منابع و کمبود فرصت‌های اقتصادی می‌تواند افراد را به سمت فعالیت‌های مجرمانه سوق دهد. مطالعات نشان داده است که مناطق با سطح بالای بیکاری و محرومیت اقتصادی، نرخ جرم بالاتری دارند.

پرسش اصلی پژوهش: آیا تأثیر سن، جنس و عوامل اقتصادی و اجتماعی در ارتکاب جرم، با تأکید بر نظریه‌های شخصیت‌محور جرم‌شناسی فردگرایانه، قابل بحث و بررسی است؟ فرضیه: پاسخ مثبت است؛ حتی با در نظر گرفتن عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز می‌توان نقش شخصیت مجرم را در انجام بزه بسیار پررنگ تعریف کرد.

۲. روش‌شناسی

پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. با در نظر گرفتن مطالعات کیفی و کمی، داده‌های پژوهش از منابع معتبر علمی و پایگاه‌های داده از جمله Web of Science، APA PsycNet، PubMed، Sage و Wiley Online Library گردآوری شده‌اند.

۳. مبانی نظری: شخصیت و رفتار مجرمانه

شخصیت منعکس‌کننده کلیت باورها، نگرش‌ها، رفتارها و شیوه‌های تعامل یک انسان با جهان اجتماعی است. شخصیت مجموع تمام خصوصیات انسانی است که فرد را در بین افراد منحصر به فرد می‌کند و از مجموعه‌ای از

صفات یا ویژگی‌های گسسته انسانی تشکیل شده است. این ویژگی‌ها می‌توانند در بین انسان‌ها متفاوت باشند و در برخی افراد با هم ترکیب شوند تا جهت‌گیری‌ها یا الگوهای رفتاری و شناختی قابل تشخیصی را شکل دهند. نظریه‌های شخصیت در رابطه با رفتار مجرمانه بر این باورند که رفتار مجرمانه با وجود برخی ویژگی‌های شخصیتی یا شخصیت مجرمانه خاص مرتبط است. روانشناسان شخصیت را از دو طریق اصلی به رفتار مجرمانه مرتبط می‌کنند: نخست، یک مجرم ممکن است دارای ویژگی‌های شخصیتی خاصی باشد که او را بیشتر مستعد فعالیت‌های مجرمانه می‌کند؛ دوم، برخی روانشناسان پیشنهاد می‌کنند که مجرمان جنایی خاص، که به عنوان اختلال شخصیت ضداجتماعی شناخته می‌شوند، شخصیت مجرمانه از خود نشان می‌دهند که شامل مجموعه‌ای از ویژگی‌هاست که افراد را به سمت رفتار مجرمانه مستعد می‌کند. نظریه‌های برجسته در این حوزه عبارت‌اند از: نظریه شخصیت زیست‌اجتماعی آیزنک (ابعاد برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی و روان‌پریشی)، نظریه کنترل اجتماعی گاتفردسون و هیرشی، و مدل عاطفه مثبت، عاطفه منفی و محدودیت تلگن. شواهد تجربی نشان می‌دهد ویژگی‌هایی مانند تکانشگری، خودکنترلی پایین، خلق‌وخوی دشوار، تازگی طلبی بالا، اجتناب از آسیب کم و تمایلات ضداجتماعی-روانی، پیش‌بینی‌کننده‌های قوی رفتار مجرمانه هستند.

۴. مفاهیم جرم و تحلیل نظری

در حقوق جزای مدرن، رایج‌ترین دیدگاه این است که جرم مقوله‌ای است که توسط قانون ایجاد شده است؛ به عبارت دیگر، چیزی در صورتی جرم است که در قانون کیفری مربوطه آن کشور لازم‌الاجرا باشد. جرم عملی است که نه تنها برای برخی افراد بلکه برای یک جامعه یا دولت مضر است («یک اشتباه عمومی») و ممنوع و مجازات قانونی دارد. تغییرات اجتماعی اغلب منجر به تصویب قوانین کیفری جدید و منسوخ شدن قوانین قدیمی‌تر می‌شود؛ رفتاری که در یک کشور قانونی است ممکن است در کشور دیگر مجرمانه باشد و فعالیت‌هایی که در یک حوزه قضایی تخلف ناچیز است ممکن است در جای دیگر جرم جدی محسوب شود. در تحلیل نظری، تمایز میان نظریه‌های توصیفی و تبیینی مطرح می‌شود. تحلیل نظری مرتبه دوم فرآیندی است برای ساختن توضیح نظری از طریق تبدیل مقوله‌های توصیفی بر اساس مخزن داده‌های موجود. نظریه سطح پایین از مطالعه یک پدیده در یک زمینه موقعیتی خاص تکامل می‌یابد و برای موقعیت‌های فوری و خاص قابل استفاده است. تئوری تصمیم توصیفی نیز به توصیف و توضیح قاعده‌مندی‌ها در انتخاب‌هایی که افراد تمایل دارند انجام دهند، می‌پردازد و از تئوری تصمیم‌گیری هنجاری متمایز است.

۵. عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم

۵-۱. عوامل وراثتی

نقش عوامل ژنتیکی در جرم موضوعی در حال تحقیق و بحث در زمینه‌های جرم‌شناسی، روانشناسی و ژنتیک است. در حالی که هیچ «ژن جرم» واحدی وجود ندارد، عوامل ژنتیکی می‌توانند با شکل دادن به ویژگی‌هایی مانند تکانشگری، پرخاشگری و احساس‌طلبی بر تمایل فرد به رفتار مجرمانه تأثیر بگذارند. استعدادهای ژنتیکی با عوامل محیطی برای تعیین احتمال درگیر شدن فرد در رفتار مجرمانه در تعامل است. تغییرات ژنتیکی خاص، مانند ژن MAOA (مرتبط با سطوح بالاتر پرخاشگری و رفتار ضداجتماعی) و CDH13 (مرتبط با تکانشگری و اختلال سلوک) شناخته شده‌اند. نقش ژنتیک در رفتار مجرمانه تعیین‌کننده نیست؛ عوامل محیطی مانند شرایط پرورش خانواده می‌توانند بیان استعدادهای ژنتیکی را کاهش داده یا تقویت کنند. نتایج مطالعات فرزندخواندگی رابطه‌ای را بین رفتار جنایی والدین بیولوژیکی و نتیجه جنایی فرزندخوانده نشان داده است که این یافته در مورد جرایم دارایی مورد توجه قرار گرفته اما در مورد جرایم خشن نه. یافته‌های گروه فرزندخواندگی دانمارکی نشان می‌دهد که جنایات خشونت‌آمیز ممکن است از نظر ژنتیکی با انواع دیگر انحرافات رفتاری مرتبط باشد.

۵-۲. تأثیر عوامل اکتسابی بر شخصیت مجرمانه

علاوه بر عوامل اجتماعی و محیطی، ویژگی‌های شخصیتی فردی با رفتارهای ناسازگارانه ارتباط پیچیده‌ای دارد. نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا بر نقش مشاهده، تقلید و الگوسازی در فرآیند یادگیری تأکید دارد. بر اساس این نظریه، افراد می‌توانند با مشاهده و تقلید از اعمال دیگران، رفتارها و دانش جدیدی کسب کنند. پیامدهای رفتار مشاهده‌شده نقش مهمی در تعیین تکرار رفتار دارند؛ تقویت مثبت (پاداش) احتمال تکرار را افزایش می‌دهد و تقویت منفی (اجتناب از مجازات) نیز بر رفتار تأثیر می‌گذارد. عواملی مانند پویایی خانواده ناکارآمد، بی‌توجهی والدین، بدرفتاری، محله پرجرم، نفوذ همتایان و سوءمصرف مواد، روانشناسی جنایی فرد را شکل می‌دهند. تحقیقات ژنتیکی و مطالعات دوقلوها نیز نقش عمده‌ای در تعیین تأثیر ژنتیکی بر رفتار مجرمانه دارند و اثر متقابل عوامل ژنتیکی-محیطی در این رفتار نقش اساسی دارد. محققان تأثیر محیط بر رفتار مجرمانه را اثبات می‌کنند، اما همچنین ثابت می‌کنند که در همه موارد عوامل محیطی مربوطه بر رفتار مجرمانه تأثیر نمی‌گذارد.

۵-۳. تأثیر جنسیت بر ارتکاب جرم

تحقیقات نشان می‌دهد در حالی که تفاوت‌هایی در شیوه رفتار مجرمانه مردان و زنان وجود دارد، ویژگی‌های شخصیتی فردی نقش مهمی در پیش‌بینی جنایت بدون توجه به جنسیت دارند. گرایش فرد به ارتکاب جرم با شخصیت‌هایی مانند سازگاری کم، وظیفه‌شناسی پایین، برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی بالا مرتبط است. بر اساس

مدل پنج ویژگی بزرگ شخصیت (گشودگی، وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی، توافق‌پذیری و روان‌رنجورخویی)، شخصیت ممکن است مستقیماً بر تأثیرات فردی نسبت به رفتارهای مجرمانه تأثیر بگذارد و در توسعه مداخلات برای مدیریت و کاهش چنین گرایش‌هایی مفید باشد. ویژگی‌های روان‌پریشی مانند خودمحوری، خصومت و تکانشگری پیش‌بینی‌کننده قوی رفتار مجرمانه در مردان و زنان هستند و با احتمال بیشتری برای دستگیری، حبس و محکومیت همراه است. زنان در مقایسه با مردان به طور قابل توجهی کمتر مرتکب جنایات می‌شوند، با برخی تغییرات در انواع جرایم. مطالعات خودگزارش‌شده نشان می‌دهد شکاف جنسیتی در بزهکاری کمتر است، که نشان می‌دهد دختران بیشتری ممکن است تمایلی به اعتراف به ارتکاب جرم نداشته باشند. خودکنترلی پایین و خلق‌وخوی دشوار نیز پیش‌بینی‌کننده مهم رفتار مجرمانه، صرف‌نظر از جنسیت است. نظریه نقش جنسیت بیان می‌کند که ارزش‌های سنتی زنانه رفتار مجرمانه را دلسرد می‌کند، در حالی که ارزش‌های مردانه بیشتر برای جرم و جنایت مفید هستند. نظریه رشد اخلاقی گیلیگان پیشنهاد می‌کند که دخالت کمتر زنان در جرم می‌تواند به دلیل توانایی‌های شناختی-اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی بهتر باشد.

۴-۵. تأثیر سن بزهکاری بر ارتکاب جرم

رابطه بین سن و جرم از دیدگاه شخصیت‌محور نشان می‌دهد که تغییرات مرتبط با سن در ویژگی‌های شخصیتی به طور قابل توجهی به کاهش رفتار ضداجتماعی و فعالیت‌های مجرمانه در طول زمان کمک می‌کند. این دیدگاه بر رشد مشترک شخصیت و رفتار ضداجتماعی از اواخر نوجوانی تا اوایل بزرگسالی تأکید دارد، با تغییرات شخصیتی که زیربنای رشد رفتار ضداجتماعی در این مرحله شکل‌گیری از دوره زندگی است. منحنی سن-جرم ارتباط قوی بین سن و جرم را نشان می‌دهد، همراه با کاهش رفتار ضداجتماعی با بالغ شدن افراد. این کاهش به تغییرات هنجاری در ابعاد کلیدی شخصیت نسبت داده می‌شود. تکانشگری یک ساختار کلیدی در درک رابطه بین شخصیت و جرم است؛ با بالغ شدن افراد، تمایل به کاهش هنجاری در تکانشگری و سایر رفتارهای بیرونی وجود دارد که با اصل بلوغ رشد شخصیت سازگار است. منحنی سن-جرم که در سال‌های نوجوانی به اوج می‌رسد و سپس کاهش می‌یابد، به نظر می‌رسد منعکس‌کننده تغییرات در شیوع (نسبت افراد مجرم) به جای بروز (میزان تخلف توسط مجرمان) است. بیشترین طول باقی‌مانده از مشاغل جنایی ممکن است بین سن سی تا چهل باشد، نه در اوج سن. شناسایی زودهنگام افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی در معرض خطر و ارائه مداخلات مناسب می‌تواند به کاهش خطر جنایت کمک کند.

۵-۵. تأثیر عوامل اقتصادی بر ارتکاب جرم

تأثیر عوامل اقتصادی بر جرم از دیدگاه شخصیت‌محور با بررسی چگونگی تأثیر شرایط اقتصادی بر شخصیت‌ها و رفتارهای فردی درک می‌شود. نرخ بالاتر بیکاری با افزایش نرخ جرم و جنایت، به ویژه در مورد جرایم دارایی،

مرتبط است؛ زیرا بیکاری می‌تواند منجر به احساس سرخوردگی، ناامیدی و کمبود فرصت شود که افراد را به سمت فعالیت‌های مجرمانه سوق می‌دهد. فقر اثر مثبت قابل توجهی بر جرایم دارایی و تأثیر منفی بر جرایم خشن دارد؛ این نشان می‌دهد که فقر می‌تواند به دلیل نیاز به بقای مالی منجر به افزایش جرایم دارایی شود، در حالی که ممکن است منجر به کاهش جرایم خشونت‌آمیز شود. تورم که می‌تواند منجر به عدم اطمینان اقتصادی و کاهش قدرت خرید شود، با افزایش نرخ جرم مرتبط است. برخی ویژگی‌های شخصیتی مانند تازگی طلبی و اجتناب از آسیب می‌تواند احتمال رفتار مجرمانه را افزایش دهد، در حالی که ویژگی‌هایی مانند همکاری و خودکنترلی می‌تواند آن را کاهش دهد. مجرمانی که دارای پیشینه‌های کم‌درآمد هستند، تمایل به هوش هیجانی پایین‌تری دارند که می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری ضعیف و افزایش پرخاشگری شود. ویژگی‌های روان‌پریشی که با فقدان همدلی و وجدان مشخص می‌شود، در بین مجرمان مناطق محروم از نظر اقتصادی شایع‌تر است و اغلب با سابقه تروما، غفلت یا سوءاستفاده در دوران کودکی همراه است. این می‌تواند به طور قابل توجهی بر احتمال درگیر شدن فرد در رفتار مجرمانه در آینده با تأثیر بر رشد مغز و منجر به راهبردهای مقابله‌ای ناسازگار تأثیر بگذارد.

۵-۶. تأثیر عوامل اجتماعی بر ارتکاب جرم

عوامل اجتماعی نقش اساسی در تعیین میزان جرم و جنایت دارند. محیط اجتماعی که افراد در آن زندگی می‌کنند می‌تواند رفتار مجرمانه را تقویت یا از آن منع کند. سطوح بالای فقر، بیکاری و نابرابری به طور مداوم با نرخ بالاتر جرم و جنایت همراه بوده است. بی‌سازمانی اجتماعی، پیوندهای اجتماعی ضعیف و فقدان انسجام اجتماعی می‌تواند به ایجاد محیطی مساعد برای رفتار مجرمانه کمک کند. نظریه‌های شخصیت‌محور در این زمینه عبارت‌اند از: نظریه شخصیت زیست‌اجتماعی آیزنک (ویژگی‌هایی مانند برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی و روان‌پریشی)، نظریه کنترل اجتماعی گاتفردسون و هیرشی (خودکنترلی پایین به عنوان پیش‌بینی‌کننده مهم رفتار مجرمانه)، و مدل عاطفه مثبت، عاطفه منفی و محدودیت تلگن. عواملی مانند عدم نظارت والدین، خانواده‌های از هم گسیخته، والدین جنایتکار و شرایط بد اجتماعی با ایجاد ویژگی‌های شخصیتی ضداجتماعی و تمایلات مجرمانه مرتبط است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد مجرمان از نظر ویژگی‌های شخصیتی با جمعیت عمومی تفاوت دارند؛ به عنوان مثال، در مطالعه‌ای با ۳۶ مجرم مرد زندان و ۳۷ شاهد عادی، نمرات بالا در هوش، تکانشگری، سوءظن، خودکفایی و خودانگیختگی و نمرات پایین در مقیاس عاطفی در مجرمان مشاهده شد. نظریه یادگیری اجتماعی پیشنهاد می‌کند که افراد از طریق مشاهده و تقلید از دیگران رفتارهایی از جمله رفتارهای جنایی را می‌آموزند. قرار گرفتن در معرض الگوها یا محیط‌های جنایی در مناطق محروم از نظر اقتصادی می‌تواند به اتخاذ رفتار مجرمانه کمک کند. حوزه روانشناسی قانونی بر درک این موضوع تمرکز دارد که چگونه اصول روانشناختی می‌تواند علل جرم، انگیزه‌های مجرمان و تأثیر جرم بر قربانیان و جامعه را روشن کند.

۶. نتیجه‌گیری

جرم عملی است که نه تنها برای برخی افراد بلکه برای یک جامعه یا دولت مضر است و ممنوع و مجازات قانونی دارد. عوامل شخصیتی نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری چنین وضعیتی ایفا می‌کند؛ چرا که شخصیت منعکس‌کننده کلیت باورها، نگرش‌ها، رفتارها و شیوه‌های تعامل یک انسان با جهان اجتماعی است. دسته‌بندی عوامل مؤثر عبارت است از:

- عوامل وراثتی: نقش عوامل ژنتیکی در جرم، با شکل دادن به ویژگی‌هایی مانند تکانشگری، پرخاشگری و احساس‌طلبی است.
- تأثیر عوامل اکتسابی بر شخصیت مجرم: محیط نقش بسزایی در شکل‌گیری روانشناسی جنایی فرد دارد.
- تأثیر جنسیت: خودکنترلی پایین و خلق‌وخوی دشوار پیش‌بینی‌کننده مهم رفتار مجرمانه، صرف‌نظر از جنسیت است.
- تأثیر سن: تغییرات مرتبط با سن در ویژگی‌های شخصیتی به کاهش رفتار ضداجتماعی و فعالیت‌های مجرمانه کمک می‌کند.
- تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی: تعامل پیچیده بین شرایط اقتصادی، شخصیت‌های فردی و رفتار مجرمانه است.
- رابطه بین عوامل اجتماعی، شخصیت و رفتار مجرمانه پیچیده است. برخی ویژگی‌های شخصیتی افراد را مستعد رفتار مجرمانه می‌کند و این ویژگی‌ها می‌تواند تحت تأثیر محیط اجتماعی که فرد در معرض آن قرار می‌گیرد، به ویژه در دوران خاص، باشد. درک این ارتباطات برای توسعه راهبردهای پیشگیری و مداخله مؤثر برای رسیدگی به رفتار مجرمانه بسیار مهم است.

پیشنهادهای مقاله:

- تبدیل رویکردهای پیشگیرانه از جرم باید از تک‌بعدی بودن صرف کیفری به چندبعدی سوق داده شود.
- حاکمیت‌ها باید برای کاهش هزینه‌های کیفری حداقل در بزهکاری ثانویه، رویکردهای پیشگیرانه شخصیت‌محور را در دستور کار قرار دهند.
- رویکردهای مثبت اجتماعی و اقتصادی برای عامه مردم در قالب دولت‌های رفاهی می‌تواند مدل خوبی برای کاهش جرم و جنایت حتی در بعد شخصیت‌محور باشد.

کلیدواژه‌ها:

جرم، پیشگیری، مجازات، عوامل شخصیت‌محور، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی